

استرداد مجرمین (Extradition) در حقوق جزائی فرانسه فصل دوم - آثار استرداد

قسمت اول

بررسی در آثار مزبور

محدود شدن رسیدگی بجرائمی که مورد تقاضای

استرداد بوده

۵۲ - دستگیر شده را نمیتوان بعلت جرم دیگری قبل از استرداد مرتکب شده است سوای جرمی که موضوع تقاضای استرداد واقع شده تعقیب نمود یا تنبیه کرد (ماده ۲۱ قسمت اول) فرمان استرداد قضایا و جرائمی که در اثر آن استرداد انجام شده است تصریح مینماید لذا استرداد شده را نمیتوان محاکمه نمود مگر راجع به همان جرائم که در فرمان ذکر شده است - قاعده در این باب قطعی است و نمیتوان به مقصر اجازه داد که رضایت بدهد راجع بسایر جرائم و قضایا نیز محاکمه شود (فوقاً به شماره ۴۸ مراجعه شود)

۵۳ - محدود شدن رسیدگی به جرائمی که قبل از تسلیم شخص مسترد شده مرتکب شده است - در مورد استرداد فقط جرائمی که قبل از تسلیم شخص مسترد شده مرتکب شده است تعقیب میشود برای جرائمی که بعد از تسلیم ارتکاب شده بایستی قواعد عادی را معمول داشت زیرا در خاک دولت تقاضا کننده استرداد واقع شده است و در آن موقع مباشرین عمل در دسترس خود آن دولت بوده است .

۵۴ - حقوق دولت تقاضا کننده استرداد راجع به

قضایا و جرائمی که قبل از تسلیم شخص خارجی اتفاق افتاده است - آیا دولت تقاضا کننده استرداد پس از تحویل گرفتن شخص مقصر نمیتواند راجع به عملیات و جرائمی که قبل از تسلیم نمودن مقصر واقع شده است تحقیق نماید؟ جواب منفی است استرداد هیچ حق جدیدی به دولت تقاضا کننده استرداد نمیدهد اما اگر خارجی استرداد نشود تحقیقاتی که قبلاً بعمل آمده بقوت خود باقی مانده باین معنی که راجع به عملیاتی که شخص خارجی مرتکب شده است میتوان تحقیقات را ادامه داد و کار را بمحکمه برد ولی البته حکم غیابی بر علیه او صادر شود ۵۵ - احاله کار به محکمه اتهامیه - محکمه اتهامیه حکم خود را صادر میکند بدون اینکه راجع به استرداد دخالتی داشته باشد حکم این محکمه غیابی نخواهد بود .

۵۶ - تغییر عنوان جرم - قبل از قانون ۱۹۲۷ کافی بود عملی که باعث درخواست استرداد شده بود همان عملی باشد که در حکم محکومیت قید گردیده است قطع نظر از عنوان قانونی که در حکم محکومیت تصریح گردیده مثلا ممکن بود شخصی را بعنوان شریک در جرم نوشتجات خصوصی محکوم نمایند و حال آنکه بعنوان شرکت در جرم اسناد تجارتمی استردادش را خواسته باشند یا بعنوان استعمال اوراق مجهول محکوم نمایند و حال آنکه بعنوان کلاه برداری استردادش خواسته شود یا بعنوان شروع بجنایت محکوم نمایند و حال آنکه بعنوان

است مورد نقض پیدا کند شخص مسترد شده میتواند درخواست رعایت قاعده مزبور را بنماید - و در این باب محاکم راجع به رفع آثار استرداد و بطلان آن تصمیم خواهند گرفت (ماده ۲۳ قسمت اول و دوم) درین میباید در تمام موارد باید در نظر گرفت که قانون جدید قواعدی که تا حال معمول بوده است دور میکند و همچنین احکامی که بیان کرده اند که استرداد از موضوعاتی نیست که از نقطه نظر قضائی بشود راجع به آن اظهار نظر و امری است اداری ارزشی نخواهند داشت بنا بر این محاکم صالح خواهند بود که قضاوت نمایند آیا شرایط پیش بینی شده در قانون رعایت شده است یا خیر

۵۹- مواردیکه شرایط استرداد بوسیله مقررات قرارداد پیش بینی شده است - گاهی اتفاق میافتد که شرایط استرداد در قرارداد پیش بینی میشود نه در قانون در این مورد آیا شخص مسترد شده میتواند از مقررات ماده ۳۳ قسمت اول استفاده نماید یعنی ممکن است در صورتیکه مدعی باشد نسبت به او تجاوزی شده است از محاکم دادخواهی بخواهد ؟ « حل این مسئله بقول **M. Domedien** ملازم با حل موضوع کلی تری است و آن این است که بایستی دانست آیا اجرائی قرار داد موضوعی است که فقط حقوق طرفین متعاهدین را محفوظ میدارد یا اینکه شخص ذینفع (مسترد شده) نیز ذیحق شناخته شده و میتواند احقاق حق بخواهد کمیسیون جامعه قانونی در این باب عادت و عمل بین المللی را مشخص قرار داده است ، همین عقیده را مجلسین فرانسه نیز قبول کرده است ولسی بالاخره بنا بر این است که محاکم برای رسیدگی باین موضوع که آیا شرایط قرارداد اجرا شده است یا خیر صالحند .

۶۰ - نتایج بطلان استرداد - در موردیکه استرداد باطل شود شخص مسترد شده آزاد میشود و بهت موضوعی که موجب تقاضای استرداد شده است نمیتوان مجدداً او را دستگیر نمود و یا برای موضوعات و جرائمی که قبل از استرداد مرتکب شده است نیز دستگیر نمیشود .
ش . امیر علائی

جنایت انجام شده استردادش را بخواهند و غیره در قانون ۱۰ مارس ۱۹۲۷ نیز بهمین معمول شده در گزارشی **M. Domedieu de Vabres** به کمیسیون جامعه مطالعات قانونی داده است این مطلب را صریحاً بیان مینماید « استرداد برای موضوعی که در تقاضانامه استرداد درج گردیده عطا میشود ممکن است در اثر مطالعات بعدی چنین نتیجه شود که عنوان قانونی موضوع تغییر کند ممکن است اعمال کیفیات مخففه و غیره باعث شود که مجازات خفیف تر از مجازات جرمی که موضوع تقاضانامه بوده است داده شود هیچیک از این موضوعات باعث ابطال عمل استرداد نمیشود »

۵۷ - موردیکه دولت يك کشور ثالثی از کشور فرانسه تسلیم یکنفر شخص مسترد شده را درخواست مینماید - در موردیکه یکنفر خارجی به کشور فرانسه استرداد شده باشد و دولت کشور ثالثی به نوبه خود از کشور فرانسه درخواست تسلیم همان شخص را نماید و علت این درخواست جرمی باشد که قبل از استرداد آن شخص مرتکب شده و جرم مزبور سوای جرمی باشد که در فرانسه محاکمه شده است و رابطه و بستگی با آن جرم نداشته باشد دولت فرانسه شخص خارجی را به دولت ثالث استرداد نمیکند مگر اینکه رضایت دولتی که شخص مزبور را بفرانسه تسلیم کرده است جلب نماید مع الوصف اگر شخص خارجی در مدتی که در ماده ۲۶ تصریح شده است خائن فرانسه را ترك نموده باشد شرط فوق عملی نمیشود (قانون ۱۰ مارس ۱۹۲۷ ماده ۲۷)

قسمت دوم

ضمانت اجرائی قواعدی که در موضوع استرداد معمول است

۵۸ - بطلان - « استردادی که برحسب تقاضای کشور فرانسه شده است باطل خواهد بود در صورتیکه بر خلاف موارد پیش بینی شده در این قانون رفتار شده باشد بنا بر این اگر قاعده حاضر رسیدگی بجزائیمیکه قبل از استرداد واقع شده و در فرمان استرداد ذکر گردیده

دعوی عمومی (action publique) و دعوی خصوصی (action Civile)

در حقوق جزائی فرانسه

قسمت اول - مقدمات

و کلاء عمومی ابتدائی (ماده ۲۲ و ۲۶ قانون اصول محاکمات جزائی و قانون ۲۰ آوریل ۱۸۱۰ ماده ۶ و ۴۵ و ۴۷) .

راجع بامور خلافی نمایندگان مدعی العموم در محکمه خلاف انجام وظیفه میکنند و راجع بجرایم مربوطه بگمرک و مالیات غیر مستقیم و جنگل بوسیله مأمورین اداری رسیدگی میشود علاوه براین اشخاص متفرقه نیز حق شکایت دارند باین معنی که در عین حال که جنبه خصوصی را تعقیب مینمایند و عرضحال بمحکمه میدهند دعوی عمومی جرم هم تعقیب میشود (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۳) (۱) .

بالاخره مجمع عمومی دیوان استیناف میتواند از مدعی العموم استیناف درخواست کند که جرمی که بوسیله یکی از اعضاء استیناف اعلام شده است تعقیب نماید (قانون ۲۰ آوریل ۱۸۱۰) .

۲ - دامنه تعقیب دعوی عمومی

الف - جنایات یا جنحه هائی که در فرانسه ارتکاب شده است

۳ - نبودن امتیاز بین فرانسوی و خارجی ها - طبق ماده ۳ قانون مدنی قوانین مربوط بانظمامات عمومی برای ساکنین سرزمین کشور فرانسه متبع و الزام آوراست بنا براین لازم نیست فکر کنیم که آیا مرتکب جرم فرانسوی است یا خارجی - دمع الوصف شخص خارجی که در خاک فرانسه مرتکب جنایت یا جنحه شده باشد در صورتیکه ثابت کند که محکومیت

(۱) یکبار که دعوی خصوصی تعقیب شد مدعی خصوصی نمیتواند از تعقیب

بر دعوی عمومی جلوگیری نماید

۱ - مبنی و منشاء دعوی عمومی و دعوی خصوصی - هر جرمی که حمله بر نظم جامعه و منفعت خصوصی اشخاص وارد آورد منشاء بروز دو دعوی خواهد شد - یکی دعوی عمومی که از نظر جلوگیری از حمله که بجامعه شده است و پیش گیری از تکرار این قبیل امور شروع میشود و بالاخره مجازاتی برای تنبیه مجرم مقرر میدارد و دیگری دعوی خصوصی که برای جبران خسارات وارده بمدعی خصوصی وضع گردیده است .

این دو دعوی کاملاً از یکدیگر متمایز میباشد بنا براین چنین نتیجه میشود که در صورت گذشت و انصراف مدعی خصوصی و جبران خسارات وارده و با مراجعه او بمحکمه حقوق باز هم ممکن است دعوی عمومی جریان پیدا کند .

قسمت دوم

دعوی عمومی

تعقیب جنبه عمومی جرم

۲ - چه مقامی میتواند تعقیب جنبه عمومی جرم را بنماید - فقط جامعه حق تنبیه را دارد بنا براین جامعه حق تعقیب جنبه عمومی جرم را داراست ولی چون جامعه يك وجود معنوی است شخصاً نمیتواند عهده دار این وظیفه شد بهمین جهت رسیدگی کار بعضی از مستخدمین مخصوص که قانون معین کرده است واگذار شده و طبق مفاد ماده ۱ قسمت اول قانون اصول محاکمات جزائی تعقیب فقط در اختیار آنها خواهد بود .

دعوی عمومی (جنایت و جنحه) بوسیله اشخاص

ذیل تعقیب میشود :

مدعیان عمومی استیناف و اعضاء پار که استیناف

(معاونین و و کلاء عمومی استیناف) مدعیان عمومی و

قطعی در آن موضوع پیدا کرده است یا جرم مرور زمان شده و یا اینکه مشمول عفو شده است مورد تعقیب واقع نخواهد شد (ماده ۷ قانون اصول محاکمات جزائی که در قانون ۳ آوریل ۱۹۰۳ تغییراتی به آن داده شده) .

ب - جنایات و جنحه‌هایی که در خارجه بوسیله یکنفر فرانسوی ارتکاب شده

۴ - مقررات عمومی راجع به جنایات و جنحه‌ها - هر فرانسوی که خارج از خاک فرانسه مرتکب جنایت یا جنحه شده باشد ممکن است در فرانسه تعقیب و محاکمه شود بشرط اینکه شرایط مصرحه در ماده ۵ قانون اصول محاکمات جزائی جمع شده باشد مقصری که پس از ارتکاب جنایت یا جنحه تابعیت فرانسه را تحصیل کرده است تابع همان قواعد می‌باشد (ماده ۵ قسمت سوم) .

طبق ماده ۵ بایستی اولاً عمل ارتكابی در قانون فرانسه جرم باشد .

ثانیاً که بعض شرایط که بر حسب نوع جرم تغییر میکنند و بعداً تشریح میشود جمع باشد مع الوصف خواه موضوع جنایت باشد یا جنحه در صورتیکه متهم مراتب ذیل را ثابت نماید هیچ تعقیبی از او نخواهد شد :

۱ - که در خارجه محاکمه شده و حکم قطعی شده باشد .

۲ - در صورت محکومیت موضوع مشمول مرور زمان شده باشد یا شامل عفو باشد (ماده ۵ قسمت سوم) .

۵ - جنایات - بایستی در این مورد بین جنایاتی که منحصراً در ماده ۷ قسمت اول قانون اصول محاکمات جزائی پیش بینی شده است و سایر جنایات فرق گذاشت اگر متهم بعنوان مباشر یا شریک جرم جنایاتی که در ماده ۷ قسمت اول تصریح شده است مقصر شناخته شد (جنایات بر علیه امنیت خارجی یا داخلی کشور قانون مجازات عمومی ماده ۱۰ الی ۷۱ تقاب در مهر رسمی کشوری و

نقود ملی رائج و اسکناسها و اوراق بهادار) تعقیب ملازم با وجود شرط مخصوصی نخواهد بود (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۵ قسمت اول و سوم و پنجم) و اگر از جنحه سایر جنایات مورد تعقیب واقع شده باشد تعقیب مشروط به يك شرط خواهد بود و آن این است که متهم به خاک فرانسه معاودت نموده باشد (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۵ قسمت اول و سوم و پنجم) (۲) مراجعت متهم بایستی بمیل و اختیار خود او بوده باشد ولسی در عین حال لازم نیست که اقامت در فرانسه تا خاتمه تعقیب بطول انجامد .

۶ - جنحه‌ها - تعقیب جنحه‌ها از یکطرف ملازم با وجود دو شرطی است که برای تعقیب جنایات مقرر است و از طرف دیگر سه شرط ذیل نیز که در قسمت ۲ و ۴ ماده ۵ پیش بینی شده باید موجود باشد :

۱ - عمل ارتكابی بایستی در قوانین کشوری که در آنجا ارتكاب شده است جرم شناخته شده باشد (ماده ۵ قسمت دوم) تهیه این دلیل از وظیفه مدعی عمومی است (۳) .

۲ - تعقیب بایستی بقاضای مدعی عمومی صورت گرفته باشد (ماده ۵ قسمت ۴) .

۳ - قبل از تعقیب بایستی مقدمه شکایتی از ناحیه شخص متضرر از جرم یا اعلام رسمی بمقامات رسمی فرانسه بوسیله مقام رسمی کشوری که جرم در آنجا واقع گردیده شده باشد (ماده ۵ قسمت ۴) اگر شرایط تعقیب از نظر مجرم اصلی جمع نباشد مثلاً در خارجه مانده باشد دعوی عمومی بر علیه شرکاء جرم جریان پیدا نمیکند .

۷ - امور خلافی و جنحه‌های مخصوصه - قواعد فوق‌الذکر در خصوص امور خلافی و جنحه‌های مخصوصه

(۲) ولی لازم نیست که به پایتخت مراجعت کرده باشد ممکن است مثلاً به آژری آمده باشد یا یکی دیگر از مستملکات فرانسه

(۳) لازم نیست که میزان مجازات در قوانین مرد و کشور یکسان باشد ولی بایستی در حکم ذکر شود که عمل ارتكابی در کشوری که عمل در آنجا اتفاق افتاده است جرم شناخته شده .

که در خارج مرتکب شده است تعقیب نمود مگر اینکه موضوع مربوط به جنایاتی باشد که منحصرأ در ماده ۷ پیش بینی شده است بهلازمه بایستی که متهم در فرانسه دستگیر شده و یا اینکه دولت استرداد او را تحصیل کرده باشد (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۷) .

۳- موانع تعقیب دعوی عمومی

۹- موافقتی که در نتیجه سمت متهمین ایجاد می شود - دعوی عمومی بدون فرق بر علیه تمام اشخاص در هر درجه و دارای هر عنوان اقامه میشود این مسئله نتیجه قاعده ایست که « تمام فرانسویان در مقابل قانون مساوی هستند » .

نوع الوصف بعضی استثنایات نادر باین قاعده وارد گردیده است دعوی عمومی معلق نمیشود مگر در موارد ذیل :

۱- رئیس جمهور را در موضوع امور جنائی نمی توان تعقیب نمود مگر برای خیانت مهم در این مورد مجلس او را مورد اتهام قرار داده و تعقیب میکند و مجلس سنا که بشکل دیوان عالی عدالت تشکیل میشود مشارالیه را محاکمه مینماید (قانون ۲۴ فوریه ۱۸۷۵ ماده ۹ قانون ۲۵ فوریه ۱۸۷۵ ماده ۶ و قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ ماده ۱۲) .

۲- وزراء را نمیتوان تحت اتهام قرار داد مگر بوسیله مجلس و کلاء و محاکمه در مجلس سنا از جهت جنایاتی که در دوره خدمت خود مرتکب شده اند (قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ ماده ۱۲) راجع به جنایاتی که پس از دوره خدمت خود مرتکب شده اند و همچنین راجع به جنحه ها هیچگونه استثنائی در این موضوع بر قواعد کلی و عمومی وارد نگردیده است .

۳- اعضاء مجلس سنا و مجلس و کلاء را در دوره اجلاس از جهت جنایت یا جنحه نمیتوان تعقیب و دستگیر نمود مگر با اجازه مجلسی که عضو آن میباشد (مجلس و کلاء یا مجلس سنا) باستثناء موارد جرم مشهود (قانون ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۵ ماده ۱۴) .

اجرا نمیشود راجع به جنحه های مخصوصه و این دسته از جرائم تکلیف موضوع در ماده ۳ قانون ۲۷ ژوئن ۱۸۸۶ تعیین گردیده است ماده مزبور مقرر داشته است که هر فرانسوی که مرتکب جنحه یا خلاف در موضوع جرائم جنگل صید ماهی گمرکات و مالیات غیر مستقیم شد در کشور فرانسه طبق قانون فرانسه تعقیب و محاکمه شود بشرط اینکه اولاً عمل در خاک فرانسه یا یکی از کشور های هم سرحد فرانسه واقع شده باشد یعنی بلژیک لوکزامبورگ آلمان سوئیس ایتالیا اسپانی و در شعاع خط سرحدی ثانیاً کشور خارجی اجازه تعقیب اتباع خود را برای همان جرائم که در خاک فرانسه ارتکاب شده است بدهد .

ثالثاً این عمل متقابل بوسیله قرارداد بین المللی یا فرمانی که در مجله رسمی منتشر شده قانوناً تنفیذ شده باشد - بالاخره باینکه قانون در این خصوص تصریحی نمینماید بایستی که متهم بفرانسه معاودت کرده باشد . شرط تقابل فقط با بلژیک و سوئیس عملی گردیده است .

بلژیک - تقابل در مورد ذیل با بلژیک اجراء می شود :

۱- جنحه و خلاف در موضوع جرائم جنگل و صید ماهی .

۲- جنحه های شکار .

سوئیس - قراردادهای ذیل با سوئیس منعقد گردیده است :

۱- قرارداد ۲۳ فوریه ۱۸۸۲ .

۲- قرارداد ۳۱ اکتبر ۱۸۸۴ .

۳- قرارداد ۹ مارس ۱۹۰۴ .

ج - جنایات و جنحه ها اینکه در خارج بوسیله یک نفر

خارجی ارتکاب شده است

۸- مورد استثنائی که يك تعقیب ممکن است عملی شود -

یک نفر خارجی را نمیتوان در محاکم فرانسه بابت جرمی

قبلاً منعقد شده باشد اصولاً محکمه صلاحیت دارد که جرم را تعقیب میکند صلاحیت خواهد داشت که در مسائل مدنی یعنی عقود مزبور نیز دخالت نموده و رسیدگی کند ولی بر این قاعده استثنائاتی وارد شده است که در مبحث مربوط به رسیدگی مسائلی که ارتباط با جرم دارد در جای دیگر ذکر خواهد شد.

۴ - علل از بین رفتن دعوی عمومی

۱۲ - مرك متهم - مرك متهم هر جنایت یا جنحه را از بین برده و دعوی عمومی را خاموش می کند (قانون اصول مجازات جزائی ماده ۲) بنا بر این تمام قرارها و احکام صادره دائر به محکومیت او بایستی کان لم یکن فرض شود یعنی قرارها و احکامی که قبل از مرگش قطعی نشده است این قاعده راجع به تمام جرائم بدون هیچ استثنائی میشود حتی به احکام جرائم نقدی که بر علیه مشارالیه در موضوع مالیات غیر مستقیم گمرک و عوارض صادر شده است نیز تعلق میگیرد بنا بر این پس از مرگش نمیتوان از ورثه قانونی او مطالبه کرد.

مع الوصف راجع به توقیف اموال بایستی قائل بتفصیل شد - در هر مورد که قانون امر به توقیف اشیاء و مال التجاره بدهد و این توقیف جنحه شخصی نداشته باشد و فقط مربوط به شیئی توقیف شده باشد توقیف عملی میشود و مرگ متخلف قبل از توقیف نمیتواند مانع اجرای توقیف شود.

ولی برعکس وقتی که توقیف بعنوان مجازات فرعی است موردی برای صدور حکم توقیف اموال باقی نمیماند قاعده مزبور در فروعی که در مواد ۱۷۶-۱۷۷ الی ۱۸۳ و ماده ۳۶۴ و ۴۱۰ و ۴۷۵ و ۴۷۷ قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است جاری میشود.

محکومیت به هزینه عدلیه مجازات نیست بنابراین اگر محکوم پس از قطعی قرار یا حکم ولی قبل از اجرای آنها فوت کند میزان هزینه که مورد قرار یا حکم واقع شده است از ورثه قانونی او وصول خواهد شد.

۴ - قوانین فرانسه در باره مأمورین سیاسی خارجه که دولت آنان را برسمیت شناخته است اجرا نمی شود.

۵ - بالاخره راجع بقضاة و بعضی از مستخدمین عالی مقام استثنائاتی بر قواعد معمولی صلاحیت وارد شده است بهمین نحو در باره ضابطین عدلیه که در موقع اشتغال به خدمت مرتکب جنایت یا جنحه شده اند عمل میشود.

۱۰ - مواعینی که در نتیجه نوع و نفس جنحه حاصل می شود - گاهی اتفاق می افتد که تعقیب دعوی عمومی تعلق میشود - بدو باید دانست که يك سلسله از جرائم است که باعث عدم شکایت تعقیب کار از طرف مدعی عمومی عقیم میماند یعنی در موارد ذیل برای تعقیب کار لازم است شکایت قبلی شده باشد :

۱ - زنای محصن و محصنه .

۲ - ازالسه بکارت صغیری که بعداً ازدواج کرده است .

۳ - جنحه های تهیه کنندگان لوازم ارتش .

۴ - توهین و ناسزا .

۵ - توهین نسبت به مأمورین سیاسی و رؤسای دولت خارجهی .

۶ - شکار روی زمین دیگری .

۷ - سید ماهی در آبهای اشخاص متفرقه .

۸ - جنحه ها ئیکه در جنگل های اشخاص متفرقه اتفاق افتاده است .

۹ - جرائم مربوط به ابنیه و مناظری که جنبه صنعتی یا تاریخی دارد .

۱۰ - جنحه ها ئی که در خارجه ارتکاب شده است .

۱۱ - رسیدگی به مسائل دیگری که ارتباط با موضوع جرم دارد - خیانت در وکالت یا خیانت در ودیعه یا جرم تعدد زوجات و غیره ملازمه با وجود عقد وکالت یا عقد ودیعه یا عقد ازدواج دارد بنابراین جنایت یا جنحه واقع نمیشود مگر اینکه عقد وکالت یا عقد ودیعه یا ازدواج

اما اگر در موقع ترك عرض حال استیفا فی یا تمیزی در این خصوص داده شده باشد دیگر نمیتوان راجع به محکومیت متوفی حکمی صادر نمود و یا مدعی العموم ورثه او را احضار نموده و بر علیه آنان حکم صادر شود ۱۳ - مرور زمان - شیئی محکوم بها - عفو عمومی

سایر علل از بین بردن دعوی عمومی عبارتند از :

اولا - مرور زمان .

ثانیاً - شیئی محکوم بها .

ثالثاً - عفو عمومی .

قسمت سوم

دعوی خصوصی

۱۴ - تعقیب جنبه خصوصی جرم - هر شخصی که از اثر عملی متضرر شده باشد که مطابق قانون آن عمل جرم شناخته شده میتواند اقامه دعوی خصوصی نماید بر قاعده مزبور استثنای نادری وارد شده است که بعداً مورد بحث قرار میدهیم - دعوی خصوصی ممکن است بر علیه متهم یا نمایندگان قانونی او اقامه شود (ماده ۲ قسمت دوم) .

۱۵ - موارد استثنائی که دعوی خصوصی مردود می شود :

۱ - حوادث کار - از تلفیق مواد ۲ قسمت اول و ۷ قانون ۹ آوریل ۱۸۹۸ راجع بحوادث کار -

(accidents du travail) چنین نتیجه میشود که هر حادثه که در اثر کار برای عملجات اتفاق افتد فقط قانون حادثه کاره اجرا میشود و نه عملجات و نه اینکه نمایندگان قانونی آنان میتوانند برای جبران خسارت بوسائل معمولی قانون توسل جویند - بالعکس عملجات حق اقامه دعوی خصوصی را در مواردی که مباشر مسئول جرم که در اثر بی احتیاطی یا غفلت یا عدم رعایت مقررات نظامنامه حوادث کار مرتکب شده است نه صاحب کارخانه باشد و نه نمایندگان او خواهند داشت باین معنی که مرتکب شخص ثالثی باشد که مجنی علیه هیچگونه ارتباط و بستگی چه مستقیم و چه غیر مستقیم

از حیث اجیر بودن در کار و غیره با او نداشته باشد .
۲ - قسم دروغ - در مواردیکه قسم طبق تشریفات قانونی انجام شده است اثبات کذب آن از طرف پذیرفته نمیشود (قانون مدنی ماده ۱۳۶۳) بنا بر این کسی که در يك محاکمه مدنی تکلیف قسم خوردن به طرف خود کرده است که رافع اختلافات باشد (Serment decisoire) نمیتواند بعداً در امر جزائی که از طرف مدعی العموم بر علیه طرفش اقامه شده مدعی خصوصی واقع شود و نه اینکه رأساً میتواند مشارالیه را بعنوان مدعی خصوصی تعقیب نماید ولی مقررات ماده ۱۳۶۳ فقط در مورد قسمی اعمال میشود که رافع اختلافات میباشد (Serment decisoire) لذا بایستی چنین نتیجه گرفت که در مورد قسمی که قاضی بطلت عدم کفایت دلائل یکی از طرفین تکلیف ادای آنرا میکند تا دلائل را تکمیل نماید که آنرا اصطلاحاً قسم مکمل دلائل مینمائیم (Serment suppletoire) قاعده کلی که ماده اول قانون اصول محاکمات جزائی وضع نموده است بقوه خود باقی خواهد بود و شخص متضرر میتواند کذب قسمی که ادا شده است ثابت نموده و از حق تعقیب دعوی خصوصی استفاد نماید .

۳ - جنبه هائیکه وجود پیدا نمیکند مگر با تکرار بعضی از اعمال - وقتی که جنبه چند عمل را در بردارد و نتیجه چند عمل مخصوص است بدون اینکه بهیچ يك از اعمال جداگانه ارتباط داشته باشد اقامه دعوی خصوصی در این مورد صورتی ندارد و پذیرفته نمیشود مثلاً اقامه دعوی خصوصی در مورد ربیع غیر قانونی یا مؤسسات رهنی پذیرفته نمیشود .

قواعد مخصوصی در موضوع ورشکستگی - يك نفر طلبکار میتواند در موضوع ورشکستگی مدعی خصوصی واقع شود این مطاب از مفهوم ماده ۵۵۸ قانون تجارت بر میاید ولی آثار این اقامه دعوی را ماده ۶۰۱ قانون تجارت محدود نموده است و به محکمه اجازه نمیدهد که بمشارالیه بیش از سایر طلبکاران حق بدهد .

۱۶ - در مقابل کدام يك از قضاة دعوی خصوصی

باید اقامه شود - دعوی خصوصی ممکن است در عین حال در مقابل قضاتی که دعوی عمومی را تعقیب مینمایند اقامه شود (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۳) و همچنین ممکن است جداگانه اقامه دعوی نمود در این حال تعقیب معنی میماند تا وقتی که راجع به دعوی عمومی که قبلاً یا در حین تعقیب دعوی خصوصی اقامه شده است حکم قطعی صادر شود .

بهمین جهت مدعی خصوصی میتواند دعوی خود را در مقابل محکمه جزا یا محکمه حقوق اقامه نماید ، اگر برای احقاق حق خود محکمه جزا را انتخاب نمود بایستی محکمه جزا در عین حال وارد رسیدگی دعوی عمومی نیز بشود بنابراین اگر محکمه جزا از رسیدگی دعوی عمومی فارغ شده باشد دیگر نمیتواند راجع به خسارات حکم دهد و در اینجا وجه تمایز دعوی عمومی و دعوی خصوصی ظاهر میگردد .

۱۷ - قاعده حق انتخاب (Una viâ electa) - بنا بر مراتب فوق قانون حق انتخاب برای مدعی خصوصی قائل شده است که میتواند دعوی خصوصی خود را از طریق محکمه جزا یا محکمه حقوق تعقیب نماید ولی همیشه قدر که از حق مزبور استفاده کرد و بیکی از محاکم حقوق یا جزا مراجعه نمود آیا میتواند از تصمیم خود صرف نظر نماید و به محکمه دیگری که مراجعه نکرده بعداً مراجعه کند ؟

در این باب بایستی مسئله را مورد بحث قرار داد - مدعی خصوصی که بدو با محکمه حقوق مراجعه نموده است نمیتواند محکمه مزبور را ترك نموده و از طریق جزائی دعوی خود را تعقیب نماید مع الوصف چون این قاعده مربوط به انتظامات عمومی نمیباشد ممکن است مورد نقض پیدا کند بنابراین فقط متهم میتواند در این باب ایراد نماید و این ایراد را قبل از ورود به ماهیت دعوی بایستی ادا کند .

برعکس مدعی خصوصی مجاز است اگر بدو به

محکمه جزا مراجعه نموده است منصرف شده و با محکمه حقوق رجوع کند (۴) بشرط اینکه محاکمه در محکمه جزا شروع نشده باشد یعنی هنوز طرفین احضار نشده باشند و مدافع دلائل خود را به محکمه تسلیم نموده باشد .

بایستی متذکر شد که ایراد نقض قاعده حق انتخاب (Una viâ electa) را نمیتوان بمدعی خصوصی که بعداً دعوی خود را در محکمه جزا تعقیب مینماید وارد ساخت مگر سه شرط جمع شود :

- ۱ - مدعی خصوصی با علم و اطلاع موضوع را بدو از طریق حقوقی تعقیب کرده باشد .
- ۲ - بین هر دو دعوی وحدت موضوع وحدت جهت و وحدت طرفین باشد .
- ۳ - با محکمه حقوق مراجعه قانونی شده باشد بطوری که بتواند راجع بتقاضای وارد رسیدگی و محاکمه شود .

۱۸ - داشتن اهلیت برای دفاع از دعوی خصوصی که اقامه شده است - وقتی که متهم اهلیت ندارد مدعی خصوصی مجبور نیست در مقابل محکمه جزا بر علیه نماینده قانونی او اقامه دعوی خصوصی نماید بهمین جهت وقتیکه مرتکب جرم یک نفر صغیر یا یک نفر مجبور است لازم نیست بر علیه قیم اقامه دعوا شود :

مسئله حمایت از اموال در برابر این موضوع که شخص متهم ذینفع در قصیه است و مطلب ممکن است بر ضرر او تمام شود از بین میرود و بایستی که متهم کمال آزادی را برای دفاع داشته باشد و تشریفات که برای حمایت از مدافع وضع شده است تأمین کافی ایجاد نموده است بطریق اولی متهمی که واجد قیم قانونی میباشد میتواند بر علیه او اقامه دعوی خصوصی نمود بدون اینکه دعوی توجه به قیم قانونی داشته باشد بهمین نحو نمیتوان بر علیه تاجر ورشکسته هیئت تصفیه را طرف فرار داد

(۴) بالاخره این تغییر محکمه وضیعت متهم را اصلاح مینماید

- ۳ - عفو عمومی در صورتیکه قانون عفو عمومی صریحاً تعقیب دعوی خصوصی را منع نموده باشد .
- ۴ - انصراف مدعی خصوصی از اجرای دعوی خود و اخذ نتیجه .
- ۵ - مصالحه .
- ۶ - انصراف مدعی خصوصی .

از یکطرف دعوی عمومی با مرک متهم از بین می‌رود و از طرف دیگر اقامه دعوی خصوصی در محاکم جزائی فرع دعوی عمومی است و به تبع آن اقامه شود بنابراین اگر متهم قبل از تصمیم محکمه در ماهیت قضیه بمیرد محکمه جزا برای رسیدگی دعوی خصوصی صلاحیت نخواهد داشت ولی اگر متهم پس از اینکه حکم داده شده چه در موضوع دعوی عمومی بمیرد باین طریق عمل نمیشود .

بالتیجه ماده ۲۰۲ قانون اصول محاکمات جزائی که بمدعی خصوصی اجازه میدهد استیناف از حکم بدهد محکمه استیناف را صالح برای رسیدگی تشخیص میدهد قطع نظر از تسمیمی که راجع بدعوی عمومی گرفته شده یعنی در صورتیکه مدعی عمومی یا متهم از حکم مزبور استیناف نخواسته باشند و از این جهت موضوع تحت نظر محکمه استیناف واقع نشود .

مدعی خصوصی همیشه میتواند بر علیه نمایندگان قانونی متهم متوفی در محکمه حقوق اقامه دعوی نماید .

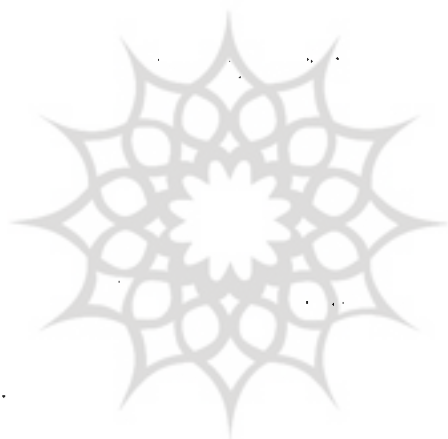
ش. امیر علانی

و اقامه دعوی راجع به خسارات بر علیه آن در محکمه جزا نمود بالاخره ماده ۲۱۶ قانون مدنی چنین بیان میکند که اجازه شوهر وقتیکه زن جزائاً تعقیب شده باشد ضرورت ندارد این مسئله در مورد زن شوهر داری که رأساً و مستقیماً بوسیله مدعی خصوصی جزائاً تعقیب شده است نیز جاری است .

۱۹ - معلق ماندن دعوی خصوصی - اگر برای تعقیب دعوی خصوصی مدعی خصوصی به محکمه حقوق مراجعه کرده باشد و دعوی عمومی نیز اقامه شده باشد دعوی خصوصی معلق میماند تا اینکه محکمه جزا بطور قطعی رأی خود را بدهد (قانون اصول محاکمات جزائی ماده ۳) این قاعده که مربوط به انتظامات عمومی است متخذ از قاعده «تعقیب جزائی تعقیب حقوقی را معلق مینماید» میباشد ولی برای اینکه دعوی جزائی اقامه شده فرض شود کافی است که مدعی عمومی تحقیقات نموده باشد ولی صرف دادن شکایت بیار که کفایت نمیکند و قاعده فوق الذکر اجرا نمیشود مگر اینکه دعوی خصوصی زائیده موضوعی باشد که مبنی اقامه دعوی عمومی بوده و از یک جهت ناشی شده باشد .

۲۰ - از بین رفتن دعوی خصوصی - عالی که دعوی خصوصی را از بین میبرد بقرار ذیل است :

- ۱ - مرور زمان .
- ۲ - شیشی محکوم بها .



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی